



**فصل اول**  
**روایات و ادعاها**

**سرآغاز**

سخن درباره مسأله تحریف قرآن مستلزم بیان نمونه‌های روشنی است که ادعا می‌شود دلالت بر تحریف دارد. ومن بزودی طی صفحات آتی این کار را انجام خواهم داد.

**نمونه‌های روشن**

۱- «ابن شاذان» روایت می‌کند که: «و رویتم: ان السورة لم یکن کانت مثل سورة البقرة، قبل ان یضیح منها ماضع، وانما بقی فی ابیدنا منها ثمان آیات اوتس آیات». «برای شما روایت شده است که: سوره‌ای که اینک موجود نیست به اندازه سوره «بقره» بوده است قبل از آن که از بین برود از آن سوره آنچه که از بین رفت. و تنها هشت یا نه آیه از آن سوره در دست مایاتی مانده است».

۲- «مالک» درباره سوره «براهت» می‌گوید: «اول سورة وقتی که ساقط گشت بدایة:

إن الحدیث حول مقولة تحریف القرآن، یتدعی ذکر نماذج یسیره ما یشر، أو یدعی: أنه یشر إلی ذلك .. وهذا ما سوف نفعله فی الیسیر من الصفحات التالیة.

**مفاجع یسیره:**

۱- قال ابن شاذان: «و رویتم: ان سورة لم یکن، کانت مثل سورة البقرة، قبل ان یضیح منها ماضع، وانما بقی فی ابیدنا منها: ثمان آیات، اوتس آیات» (۱).

(۱) الايضاح ص ۲۲۱/۲۲۲.

تاکنون طی هشت شماره متوالی در آینه پژوهش مطالبی ذیل عنوان بیشتر دقت کنیم از نویسنده این بخش جناب رضا مختاری چاپ شده است. مطلب این شماره را یکی از خوانندگان فرستاده‌اند. آینه پژوهش

**سه اصل اساسی در ترجمه متون**

انگیزه‌ای که مرا واداشت که چند سطری در این باره بنویسم سلسله مطالبی است که به عنوان «بیشتر دقت کنیم» از نویسنده محترم جناب آقای رضا مختاری در مجله آینه پژوهش منتشر می‌شود: که ذکر فان الذکری تنفع المؤمنین.

در ترجمه هر متنی، بویژه متون دینی، رعایت سه اصل از ارکان ترجمه به شمار می‌رود:

۱- آگاهی کامل از زبانی که مطلب از آن

گرفته می‌شود؛

تصویر صفحه‌ای از متن عربی حقائق هامة حول القرآن الکریم

بتواند ترجمه‌ای را که از آن روایت به نظرش آمده بر آن حمل کند، الف و لامی به کلمه «سوره» اضافه نموده است.

ثالثاً این کتاب از طرف مؤسسه‌ای به چاپ رسیده است که فی نفسه انتشارات آن می‌تواند مورد اطمینان خوانندگان باشد.

در اینجا فرصت را غنیمت شمرده، به مسؤولین محترم آن مؤسسه پیشنهاد می‌شود که برای نظارت بر محتوای کتابها، مخصوصاً کتابهای ترجمه‌ای، گروهی تشکیل داده و بعد از بررسی محتوایی اقدام به چاپ کتب شود.

متأسفانه این گونه اشتباهات و غلط‌آموزیها درباره مطالب دینی به صدا و سیما هم راه یافته است. به عنوان مثال در ایام عید نوروز فرصتی بود که بیشتر تلویزیون نگاه می‌کردم. شنیدم که مجری برنامه مسابقه هفته چنین سؤالی را مطرح کرد که نام دیگر سوره اُسرائ چیست. من منتظر بودم که این چه سوره‌ای است که تاکنون به گوش من هم، که مقداری با قرآن آشنایی دارم، نرسیده است. سرانجام خود مجری بیان کردند که نام دیگر سوره اُسرائ، سوره بنی اسرائیل است! در اینجا متوجه شدم که مجری برنامه سوره اِسرائ را اُسرائ خوانده است.



۲- آشنایی درست به زبانی که مطلب به آن برگردانده می‌شود؛

۳- شناخت درست از موضوع مورد ترجمه و آشنایی با اصطلاحات آن.

به عبارت دیگر، اصل اول و دوم، شرط لازم ترجمه است و نه کافی! با اصل سوم است که می‌توان پیام را به طور کامل به دیگران رساند. به عنوان مثال به تصویر صفحه‌ای از کتاب حقایق مهم پیرامون قرآن کریم، که در سال ۱۳۷۱ ترجمه و منتشر شده، توجه شود.

مترجم، روایت ابن شاذان را طوری ترجمه کرده است که نه تنها معنای آن مشخص نمی‌شود، بلکه برای خواننده این سؤال پیش می‌آید که این چه سوره‌ای است که «اینک موجود نیست»، اما هشت یا نه آیه از آن سوره در دست ما باقی است؟!

دیگر آنکه از متن روایت که مترجم (با کمی تغییر) نقل کرده است، معنای کاملاً درستی به دست نمی‌آید تا اینکه به اصل کتاب رجوع شود.

از مقایسه متن اصلی با ترجمه، نکات زیر به دست می‌آید:

اولاً مترجم نام دیگر سوره یَینه را که «لم یکن» نامیده می‌شود، نمی‌دانسته است.

ثانیاً چنین استنباط می‌شود که مترجم برای اینکه